

کابل - دوازدهم حوت 1391 (2 مارچ 2013)

توانایی و ناتوانی شورای علمای افغانستان و پاکستان در جنگ و صلح

محمد اکرام اندیشمند

در ماه های اخیر، شورای علمای افغانستان به عنوان یک نهاد دولتی در صدد ایفای نقش خود در حل بحران افغانستان بر آمد. پایان دادن به جنگ میان تحریک اسلامی طالبان افغانستان و دولت افغانستان و در نتیجه تحقق صلح. مذاکره با شورای علمای پاکستان و تدویر کنفرانس مشترک صلح در کابل از مهم ترین طرح ها و گامهایی بود که شورای علمای افغانستان در راستای تلاش خود بر میداشت. اما مساعی و طرح شورای مذکور با این موضع گیری و انتشار دیدگاه رئیس شورای علمای پاکستان که عملیات انتحاری در افغانستان جواز شرعی دارد، در واقع نقش بر آب شد. اکنون این پرسش ها قابل بحث و پاسخ است که توانایی و ناتوانی شورای علما در جنگ و صلح افغانستان چیست؟ آیا جنگ در افغانستان، جنگ بر سر دین و مذهب و جنگ میان کفر و اسلام است تا شورای علمای دینی دو کشور راه حل اسلامی و شرعی پیدا کنند؟ مشکل شورای علمای دینی چه در افغانستان و چه در پاکستان و در هر کشور و جامعه اسلامی بر سر داوری و حکم در مورد جنگ و صلح و مسایل دیگر از زاویه ی دینی و اسلامی چیست؟ شورای علمای افغانستان چگونه میتواند مؤثریت خود را برای صلح در افغانستان نشان دهد؟ و . . .

فتوای رئیس شورای علمای پاکستان؛ جواز عملیات انتحاری در افغانستان؛

علامه طاهر اشرفی رئیس نهاد دولتی شورای علمای پاکستان انجام عملیات انتحاری را در افغانستان، کشمیر و فلسطین جایز و شرعی خواند. ممکن است این فتوا در افغانستان بسیار خصمانه و برخلاف تمام منافع جامعه و کشور افغانستان تلقی شود، که چنین است. چون ترویج عملیات انتحاری به عنوان یک مشروعیت و وجیهه دینی، افغانستان را سالهای طولانی در جنگ و بی ثباتی فرو میبرد و فرهنگ نفرت و کینه را در درون جامعه و میان اقشار مختلف اجتماعی و فرهنگی تقویت و گسترش می بخشد. بویژه وقتی که از افغانستان به فتوا و اظهارات رئیس شورای علمای پاکستان در مورد جواز و عدم جواز عملیات انتحاری در داخل پاکستان نگریسته میشود، او از تأیید بر جواز اینگونه عملیات در پاکستان احتراز میکند. اما ممکن است این فتوا از دید شرعی و اسلامی و یا از زاویه ی تفسیر و قرائت دینی نیز نامشروع و مخالف اسلام نگریسته شود و رئیس شورای علمای پاکستان با صدور چنین فتوا مخالف اسلام و شریعت اسلامی معرفی شود؛ هر چند که موصوف از بیان چنین فتوایی در مورد پاکستان اجتناب می ورزد و عملیات انتحاری علیه جامعه شیعه هزاره پاکستانی را محکوم می کند. اما صدور حکم و فتوای شرعی علیه طاهر اشرفی رئیس شورای علمای دینی پاکستان که با صدور فتوای

جواز عملیات انتحاری، مخالف و دشمن اسلام و شریعت اسلامی تلقی شود، از زاویه های برداشت دینی و شرعی چندان آسان نیست.

تفاوت فتواها؛ مشکل لاینحل تاریخی:

اختلاف میان علمای دینی مسلمانان بر سر فتواها به خصوص فتواهای که با انگیزه های سیاسی و در امور سیاسی و حتا اجتماعی ارائه می شود، یک اختلاف لاینحل تاریخی میان علمای دینی در تمام جوامع و کشورهای اسلامی و مسلمان است.

رئیس شورای علمای پاکستان عملیات انتحاری را جایز میدانند، مفتی اعظم عربستان سعودی که اسلام از آنجا برخاست، پیغمبر اسلام(ص) در آنجا ظهور کرد، وحی و قرآن همانجا و بزبان عربی نازل شد، عملیات انتحاری را حرام تلقی میکند. شماری از علمای دینی طرفدار طالبان در افغانستان نیز عملیات انتحاری طالبان را مشروع و جایز میدانند، و جمعی از علمای دینی به حرمت آن حکم میکنند. عبدرب الرسول سیاف استاد دانشگاه و عالم دینی تحصیل یافته دانشگاه ازهر قاهره بزرگترین و معتبرترین مرجع تحصیل دینی نود درصد مسلمان سنی مذهب دنیای اسلام، عملیات انتحاری را حرام میدانند و حتا توبه ی انتحاری را نزد خداوند با این استدلال دینی که انتحاری فرصت توبه را در مورد ارتکاب یک عمل حرام از دست میدهد، قابل قبول نمیدانند. شمار زیادی از علمای دینی نیز به عدم مشروعیت عملیات انتحاری فتوا میدهند. اما طالبان و شمار دیگری از علمای دینی هستند که از مشروعیت عمل انتحاری سخن دارند.

نکته ی بسیار مهم و قابل تأمل این است که هر دو طرف در تفاوت و تعارض فتواها و دیدگاه های خود از منظر دینی و شرعی به استدلال دینی و شرعی متوسل می شوند. هر دو طرف میتوانند در مشروعیت فتوای خود حتا به قرآن استدلال کنند و حکم خود را از تعبیر و تفسیر آیه های قرآن استنباط نمایند. بگونه مثال: عملیات انتحاری در توجه به تفسیر و تعبیر این آیات و آیات دیگر میتواند حرام و نامشروع تلقی شود:

وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (سوره النساء آیه 29)
وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
(سوره البقره آیه 195)

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ
عَذَابًا عَظِيمًا (سوره النساء آیه 195)

کسانیکه در پی مشروعیت و جواز شرعی عملیات انتحاری هستند میتوانند آنرا از تفسیر و تعبیر این آیات و همچنین آیات دیگر بدست بیاورند:

فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ
وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقُمْتُمُوهُمْ وَاخْرَجُوهُمْ مِنْ
حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ (سوره بقره آیه های 190 و 191)
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ (سوره انفال آیه 39)

علمای طرفدار انتحار و کشتار میتوانند حتی مشرک را به بسیاری از فرقه های مسلمان تعمیم دهند. و آنگاه نه تنها جواز قتل نامسلمان و کافر بلکه مسلمان را هم صادر کنند. و برای عمل " وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً " که راه باز است. جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری اسلامی اعدام، فتنه و مجاربه با خدا را دستاویز شرعی میخواند. اما حد و حدود این فتنه و مجارب بالله در دستان قاضی های اعدام و حاکمان ولایت فقیه قرار دارد. و در تفسیر به این حد و حدود فتنه نمیتوان محدودیت قابل بود. حالا این قرائت های متفاوت و این توجیه و تفسیر مختلف و متعارض را از دین و منابع دینی چگونه میتوان حل کرد؟ به این پرسش در طول این سده های متوالی تاریخ گذشته پاسخ یکسان ارائه نشده که امروز شورای علمای دولتی افغانستان و پاکستان آنرا حل کنند.

عدم ارتباط جنگ افغانستان به اسلام و فتوای شرعی:

نکته ی بسیار مهم این است که جنگ افغانستان هیچ ارتباطی به دین و شریعت اسلامی ندارد که برای پایان دادن آن، عالم دینی و فتوای شرعی وارد میدان شود. جنگ در افغانستان جنگ استخباراتی و امنیتی است. مجری اصلی این جنگ ارتش پاکستان و استخبارات نظامی آن آی.اس.آی شمرده میشود که بسیاری از حلقه های اطلاعاتی و مذهبی عربستان سعودی و عرب های دیگر را در رقابت و خصومت با دولت شیعه ایران با خود دارد. این جنگ، جنگ بر سر منافع و قدرت میان گروه های مختلف داخلی و خارجی است. جنگ افغانستان در بعد خارجی، رقابت و خصومت منطقه ای را میان کشور های مختلف بازتاب میدهد. رقابت و خصومت هند و پاکستان، رقابت و خصومت ایران و عربستان، رقابت و خصومت میان آمریکا و متحدان غربی اش با روسیه، چین و طرف های مختلف دیگر در منطقه و جهان. اگر حضور قوای خارجی انگیزه و دلیل جنگ طالبان باشد، طالبان در دهه نود بدون حضور یک نفر خارجی هم این جنگ را ادامه دادند. و فردا نیز چنین است.

تأثیر گذاری شورای علمای افغانستان بر صلح:

اگر شورای علمای افغانستان میخواهد با نقش بیشتر و تأثیر بیشتر در صلح وارد شود، به دولت افغانستان و تصمیم گیرنده های سیاست افغانستان فشار بیارود که مشکل خود را با پاکستان از طریق سیاسی با شفافیت و صداقت حل کند. نباید دین، علمای دینی و شریعت اسلامی در اختلافات سیاسی و جنگ منافع داخلی و خارجی ابزار طرف های جنگ و عامل توجیه منافع شان قرار بگیرند. تأثیر دیگر شورای علمای افغانستان در کمک به صلح به عنایت این شورا به اصلاح دولت افغانستان در عرصه اداره و سیاست داخلی بر میگردد. شورای علمای افغانستان میتواند با فشار بر رهبری دولت و سیاستگذاران آن، مدیریت و اداره را از فساد، تبعیض، بی عدالتی و تزویر بسوی اصلاح ببرد و نقش مؤثری در شکل دهی یک دولت سالم، عادل، پاسخگو و صادق به جامعه و کشور ایفا کند.